



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی

اداره پژوهش های سیاسی

شاخص یابی بیانات رهبر انقلاب پس از بازدید از نمایشگاه محصولات

تبلیغی نامه به جوانان غربی + شاخص ها و محورهای نامه

صدا و سیما

فرآورده های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش های زیر قابل دسترس است:

– وب سایت خبرگزاری صداوسیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

– گروه تلگرام پژوهش خبری صداوسیما <https://telegram.me/pajooreshkhabar>

– پژوهشگر: امید جلوداریان

□ مقدمه

این پژوهش به شاخص یابی بیانات حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای در بازدید از نمایشگاه محصولات تبلیغی مرتبط با دو نامه به جوانان غربی که در تاریخ ۱ شهریور ۱۳۹۵ ایراد و در تاریخ ۱۲ آذر ۹۶ منتشر شد، اختصاص دارد.

رهبر انقلاب در نخستین نامه که در تاریخ ۱۳۹۳/۱۱/۱ خطاب به جوانان اروپا و آمریکای شمالی نوشته بودند، با اشاره به حادثه تروریستی شارلی ابدو و به راه افتادن موجی از اسلام‌هراسی از سوی رسانه‌های غربی، از جوانان غربی خواستند که فارغ از پیشداوری‌ها و تبلیغات منفی، شناختی مستقیم و بی‌واسطه از اسلام پیدا کنند و با اسلام از طریق قرآن و زندگی پیامبر اسلام آشنا شوند. محتوای آن پیام با توجه به حوادث آن روز دنیای اسلام، موج افراط‌گری و تروریسم، تلاش غرب برای ایجاد اسلام‌هراسی و تخریب چهره رحمانی اسلام ناب محمدی و انتشار کاریکاتور موهن پیامبر اسلام (ص) در نشریه فرانسوی «شارلی ابدو» به منظور آگاهی بخشی به جوانان جهان به ویژه جوانان کشورهای غربی، منتشر شد. از جمله محورهای اصلی آن نامه " لزوم کاوش انگیزه‌های سپاه‌نمایی گسترده علیه اسلام " و " لزوم شناخت مستقیم و بی‌واسطه از دین اسلام " بود.

حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای همچنین در نامه دوم که در تاریخ ۱۳۹۴/۹/۸ و خطاب به عموم جوانان در کشورهای غربی نوشته بودند، باز هم با اشاره به مجموعه حوادث تروریستی پاریس که توسط گروه داعش انجام شده بود و به کشته شدن حدود ۱۳۰ نفر انجامید و موجی از اسلام‌هراسی در غرب ایجاد کرد، ضمن همدردی کردن با آنان در درد مشترک تروریسم، تفاوت تروریسم در غرب و دنیای اسلام و سیاست‌های دوگانه غرب در حمایت از گروه‌های تروریستی در دنیای اسلام و تلاش برای ترویج اندیشه خشونت را مورد تأکید قرار دادند و از جوانان خواستند تا بر مبنای شناخت درست و با استفاده از تجربه‌های ناگوار، بنیان‌های تعامل صحیح و شرافتمندانه را با جهان اسلام پی‌ریزی کنند.

مدیریت پژوهش‌های خبری

۱۳۹۶/۰۹/۱۳

اهمیت حرکت‌های پس از انتشار نامه‌ها:

- ۱- ارزشمندتر بودن حرکت‌های بعدی، از اصل نامه‌ها:
- بسیج نیروها، استعدادها، ظرفیت‌ها و انگیزه‌ها
- ۲- انتشار پیام نامه‌ها در ذهن‌ها و اقطار عالم با برکت الهی
- ۳- لزوم تشکیل اتاق فکر برای رساندن پیام اسلام و انقلاب:
- عمیق، پُرمغز، سازنده و سعادت‌بخش بودن پیام اسلام و انقلاب
- تفکر درباره ایجاد محورهای فکری و تبیینی و انتشار آنها میان دل‌ها و مغزها
- ۴- لزوم استفاده از همه ظرفیت‌ها برای رساندن پیام:
- بهره‌گیری از نگارش، موسیقی، پوستر، هنر گرافیک و ...
- ضرورت توجه بیشتر به کارهای ماندگار و بلندمدت مانند کتاب
- ۵- لزوم مقایسه دیدگاه‌های اسلام با دیدگاه‌های دنیای متمدن و مادی

چاره اندیشی برای مسائل دردناک

(چه در فرانسه، چه در فلسطین و عراق و لبنان و سوریه):

- ۱- حادثه تروریستی اخیر در فرانسه
- ۲- جان دادن کودک در برابر دیدگان عزیزانش
- ۳- مادری که شادی خانواده‌اش به عزا مبدل می‌شود
- ۴- شوهری که پیکر بی‌جان همسرش را شتابان به سوئی می‌برد
- ۵- تماشاگری که نمی‌داند تا لحظاتی دیگر آخرین پرده نمایش زندگی را خواهد دید

تشابه و تفاوت حادثه تروریستی فرانسه و حوادث مشابه در دنیای اسلام:

- ۱- تروریسم درد مشترک
- ۲- ابعاد وسیع‌تر حوادث تروریستی در دنیای اسلام
- ۳- حمایت قدرت‌های بزرگ از خشونت در دنیای اسلام

منطق متناقض غرب در برخورد با تروریسم:

- ۱- نقش آمریکا در ایجاد یا تقویت و تسلیح القاعده، طالبان و دنباله‌های شوم آنان
- ۲- پشتیبانی از حامیان آشکار و شناخته‌شده تروریسم تکفیری
- ۳- پشتیبانی از تروریسم دولتی اسرائیل
- ۴- لشکرکشی‌های سال‌های اخیر به دنیای اسلام

ریشه‌های تروریسم

- ۱- اصلاح نکردن اندیشه خشونت‌زا در فرهنگ غرب (پرخاشگری، بی‌بندوباری اخلاقی، ستیزه‌جویی، ابتذال و معناگریزی)
- ۲- تسلط معیارهای دوگانه بر سیاست غرب درباره تروریسم
- ۳- ترجیح داشتن منافع دولت‌ها بر ارزش‌های انسانی و اخلاقی
- ۴- رسوخ ریشه‌های خشونت در اعماق سیاست‌های فرهنگی غرب
- ۵- پافشاری غرب بر همانندسازی فرهنگی جهان (داعش زاییده وصلت ناموفق با فرهنگ وارداتی)
- ۶- تلاقی استعمار با تفکرات افراطی و مطرود
- ۷- تغذیه فرهنگی ناسالم در محیط آلوده و مولد خشونت غرب (گرایش اروپایی‌ها به داعش)
- ۸- نفرت ناشی از نابرابری‌ها و احياناً تبعیض‌های قانونی و ساختاری در دل قشرهایی از جوامع غربی

چگونگی مبارزه با تروریسم و خشونت

- ۱- یافتن گره‌ها و کینه‌ها و زدودن آنها و ترمیم شکاف‌ها به جای تعمیق آنها
- ۲- پرهیز از هر حرکت هیجانی که جامعه مسلمان غرب را در انزوا یا اضطراب قرار دهد (مقررات وضع شده در اروپا درباره جاسوسی شهروندان علیه مسلمانان).
- ۳- پی‌ریزی بنیان‌های تعامل صحیح و شرافتمندانه با جهان اسلام

اهمیت حرکت‌های پس از انتشار نامه‌ها:





چاره اندیشی برای مسائل دردناک (چه در فرانسه، چه در فلسطین و عراق و لبنان و سوریه)

- ۱- حادثه تروریستی اخیر در فرانسه
- ۲- جان دادن کودک در برابر دیدگان عزیزانش
- ۳- مادری که شادی خانواده‌اش به عزا مبدل می شود
- ۴- شوهری که پیکر بی‌جان همسرش را شتابان به سوی می‌برد
- ۵- تماشاگری که نمی‌داند تا لحظاتی دیگر آخرین پرده نمایش زندگی را خواهد دید

تشابه و تفاوت حادثه تروریستی فرانسه و حوادث مشابه در دنیای اسلام:



منطق متناقض غرب در برخورد با تروریسم:



ریشه‌های تروریسم

- ۱- اصلاح نکردن اندیشه خشونت‌زا در فرهنگ غرب (پرخاشگری، بی‌بندوباری اخلاقی، ستیزه جویی، ابتذال و معناگریزی)
- ۲- تسلط معیارهای دوگانه بر سیاست غرب درباره تروریسم
- ۳- ترجیح داشتن منافع دولت‌ها بر ارزش‌های انسانی و اخلاقی
- ۴- رسوخ ریشه‌های خشونت در اعماق سیاست‌های فرهنگی غرب
- ۵- پافشاری غرب بر همانندسازی فرهنگی جهان (داعش زائیده وصلت ناموفق با فرهنگ وارداتی)
- ۶- تلاقی استعمار با تفکرات افراطی و مطرود
- ۷- تغذیه فرهنگی ناسالم در محیط آلوده و مولّد خشونت غرب (گرایش اروپایی‌ها به داعش)
- ۸- نفرت ناشی از نابرابری‌ها و احیاناً تبعیض‌های قانونی و ساختاری در دل قشرهایی از جوامع غربی

چگونگی مبارزه با تروریسم و خشونت



ج - جدول شاخص ها و محورها به استناد عین عبارات

| ردیف | موضوع | مهم ترین محورها | مستندات |
|------|--------------------------------------|---|---|
| ۱ | اهمیت حرکت های پس از انتشار نامه ها: | <p>۱- ارزشمندتر بودن حرکت های بعدی، از اصل نامه ها:</p> <p>۲- انتشار پیام نامه ها در ذهن ها و اقطار عالم با برکت الهی</p> <p>۳- لزوم تشکیل اتاق فکر برای رساندن پیام اسلام و انقلاب:</p> <p>- عمیق، پرمغز، سازنده و سعادت بخش بودن پیام اسلام و انقلاب</p> <p>- تفکر درباره ایجاد محورهای فکری و تبیینی و انتشار آنها میان دل ها و مغزها</p> <p>۴- لزوم استفاده از همه ظرفیت ها برای رساندن پیام:</p> <p>- بهره گیری از نگارش، موسیقی، پوستر، هنر گرافیک و ...</p> <p>- ضرورت توجه بیشتر به کارهای ماندگار و بلندمدت مانند کتاب</p> <p>۵- لزوم مقایسه دیدگاه های اسلام با دیدگاه های دنیای متمدن و مادی</p> | <p>«مطلب بعدی این است که به نظر من این حرکتی که شما راه انداختید، ارزشش از خود آن نامه ها بیشتر است؛ خوب، نامه ها بالاخره یک فکری بود، یک کاری بود که انجام گرفت، اما اینکه این همه نیرو به کار بیفتد و تشکل پیدا کند و در یک جهت گیری مشخصی پیش برود و به این همه نتایج منتهی بشود، خیلی چیز باارزشی است. اصل این است، این مهم است؛ بنده این کار را دارای ارزش بیشتری میدانم از مثلاً فرض کنید اصل نوشتن یک نامه ای؛ این را از دست ندهید. بنشینید فکر کنید؛ دوستان اشاره کردید که اتاق فکریایی تشکیل دادید که بنشینند فکر کنند برای کیفیت کار و چگونگی پیشرفت کار و ادامه ی کار؛ بسیار خوب، حالا همین اتاق فکرها بنشینند فکر کنند که از این همه استعداد جمع شده و کنار هم قرار گرفته و آنچه میتواند به اینها ملحق بشود، چقدر میتوانند استفاده کنند برای الی ماشاءالله کاری که ما داریم و حرفی که میتوانیم به گوش مخاطبینی برسانیم. از این استفاده کنید؛ این بسیار خرسندکننده است برای من که این همه نیرو، این همه استعداد، این همه ظرفیت، این همه انگیزه، جوان و پُرنشاط جمع شده.</p> <p>بالاخره کار، کار شماها است؛ این شما هستید که بایستی کارها را پیش ببرید. این انقلاب، این حرف نو، این پدیده ی بسیار مهم که اسمش انقلاب اسلامی و نظام اسلامی است، با این پیام عمیق و پرمغز و سازنده و حقیقتاً سعادت بخشی که دارد، خیلی کار احتیاج دارد، خیلی تلاش احتیاج دارد.</p> <p>بسیاری از آنچه را ما به آن نیازمندیم تاکنون انجام نداده ایم؛ مثل همین کارهای خود شما که تا قبل از اینکه شما این کارها را انجام بدهید، انجام نشده بود؛ شاید خود شما به ذهنتان هم نمیرسید که بشود این کارها را انجام بدهید؛ وارد شدید، فکر کردید، حالا می بینید چقدر کار میشود کرد. خیلی خوب، بنشینید فکر کنید برای قدمهای آینده، کارهای آینده و آنچه باید به عنوان محور -محور فکری و تبیینی- به وجود بیاید و آنچه در اطراف آن بایستی برای انتشار و رساندن آن به دلها و به مغزها کار بشود. این هم یک نکته است که کار شما و کار مجموعه ی شما است که بایست ان شاءالله انجام بدهید.</p> <p>یک نکته ی دیگر این است که خدای متعال به این کار برکت داد؛ و آلا اول که بنده به این فکر افتادم و با دو سه نفر مشورت کردم در اینکه حالا نامه ای بنویسیم، به ذهنمان نمیرسید که این کار این مقدار گسترش و نفوذ و رونق پیدا کند؛ خدای متعال به این کار برکت داد. از خدای متعال تشکر کنیم و از او استمداد کنیم برای کارهایمان که به آنها برکت بدهد. گاهی شما یک کلمه حرف میزنید، این در فضا گم میشود؛ گاهی یک کلمه حرف میزنید، خدای متعال این کلمه را در ذهنها و اقطار عالم منتشر میکند؛ معنای برکت دادن این است.</p> <p>نکته ی بعدی این است که ما در این کار و در همه ی کارهای دیگر، آزموده ایم که تنوع استعدادهای و ظرفیتهای خیلی مهم است. مثلاً فرض کنید که ما از نگارش تا موسیقی تا هنر گرافیک تا چیزهای دیگر، به همه ی اینها برای اینکه بتوانیم یک کار جمعی انجام بدهیم نیازمندیم؛ از هیچ نقطه ای غفلت نباید کرد، از هیچ استعدادی صرف نظر و غمض عین نباید کرد؛ از همه ی این استعدادهای باید استفاده کرد. ای بسا کاری که فرض کنید یک ترانه میکند، یک کتاب نکند؛ یک جا گاهی</p> |

| ردیف | موضوع | مهم‌ترین محورها | مستندات |
|------|-------|-----------------|---|
| | | | <p>کاری که یک پوستر ممکن است انجام دهد، ممکن است مثلاً یک مقاله انجام ندهد؛ اما در عین حال ما به آن کتاب هم احتیاج داریم، به آن مقاله هم احتیاج داریم. یعنی اینکه ما توانستیم تحسین یک عده‌ای از نخبگان یا آحاد مردم را مثلاً با این جور کارها جذب بکنیم و دل‌های اینها را یا ذهن‌های اینها را متوجه کنیم، این ما را غافل نکند از اهمیت و ارزش کارهای ماندگار و بلندمدت؛ پوستر، یک چیز ماندگاری نیست؛ لازم است، حتماً لازم است، اما کتاب چرا، کتاب یک چیز ماندگار است. برای تدوین کتاب فکر کنید.</p> <p>البته من روی این قضیه فکر کرده‌ام، منتها متأسفانه اشتغالات و گرفتاری‌های بنده این قدر زیاد است که از ده فکری که آدم میکند، یکی‌اش را هم نمیتواند اجرا کند. من یک طرحی برای تدوین یک کتاب به ذهنم رسید برای پاسخ به این سؤال که خوب «شما که می‌گویید اسلام را بشناسیم، مستقیم به اسلام مراجعه کنیم، خیلی خوب، حالا آن اسلامتان کجا است؟ به ما معرفی کنید». فقط متن قرآن را به آنها بدهیم؟ این کافی است؛ یا نه، لازم است کار انجام بگیرد؟ من یک طرحی هم به ذهنم رسید، حالا اگر بعداً مجال شد با بعضی از دوستانی که اهل این کارند، ممکن است در میان بگذاریم؛ یک سرفصل‌هایی هست. حالا مثلاً فرض کنید دوستان اینجا اشاره کردند در مورد مسئله‌ی توحید؛ خیلی خوب، توحید یک مقوله است اما معلوم نیست تأثیر آگاه شدن و عمق‌یابی کردن جامعه‌ی جوان مثلاً کشور فرانسه یا انگلیس یا کجا در مورد توحید، کارایی‌اشنایی آنها با نظر اسلام در مورد حمایت از حیوانات را مثلاً داشته باشد. اتفاقاً حالا این مثال حمایت از حیوانات که ناگهان به ذهن من آمد، این خیلی باب وسیعی دارد در روایات ما -حالا محیط‌زیست خیلی تکرار میشود و گفته میشود و گاهی هم اهداف سیاسی، دنبالش در دنیا مطرح میشود- اگر چنانچه شما یک جزوه یا یک مثلاً فرض کنید نمانگ یا یک پوستر یا یک مقاله -هرچه، [یک] وسیله‌ی تبیین -درباره‌ی حمایت از حیوانات مثلاً تهیه کنید، این دل‌های بیشتری را متوجه به اسلام میکند تا آن جزوه‌ی عمیقی که در باب مثلاً توحید شما ممکن است [چاپ کنید]. از اینها نباید غفلت کرد؛ یعنی تنوع موضوعها [مهم است].</p> <p>یا در مورد علائق اجتماعی؛ حالا اشاره کردند به این نوشته‌ای که یک خانم فرانسوی نوشته که من فلان کس را آدم متعصب مثلاً آن جوری میدانستم، حالا میبینم که نه مثلاً [آن جوری نیست]. درباره‌ی تعصب، به قول امیرالمؤمنین: شیطان «عَدُوُّ اللَّهِ إِمَامُ الْمُتَعَصِّبِينَ»؛ (۷) رئیس متعصب‌های عالم وجود، شیطان است؛ از همه متعصب‌تر است. امروز هم شیطان اکبر که امام فرمودند آمریکا است، اینها رئیس متعصبینند. شما ببینید چقدر «ارزشهای آمریکایی» میگویند! این ارزشهای آمریکایی خیال نکنید یک چیزهای لطیف مثلاً معنوی است؛ نه، ارزشهای آمریکایی همین چیزهایی است که کلان آن در سیاستهای آمریکا در دنیا نشان داده میشود؛ یعنی حتی در آن سیاستهای حمایتی‌شان؛ مثلاً فرض کنید اصل چهارم ترومن -آنهایی که حالا یادشان است، آن قدیمی‌ها، مثل ما- که به معنای کمک بود؛ اما کمک با هدف دیگری بود. یا آزادی؛ آزادی که گفته میشود، همانی است که در این فیلم‌های کابویی، فیلم‌های چاقو کشی و وسترن‌ها و مانند اینها مشاهده میکنید که برای اینکه مثلاً چهار نفر حمله کرده‌اند به گاوها و پنج گاو را [کشته‌اند]، این چهار نفر را میکشند؛ اگر چنانچه پشت سر این چهار نفر، چهل نفر دیگر هم بیایند، [آن] چهل نفر را هم قتل‌عام میکنند! یعنی میگوید [چون] در محیط من است، زندگی من است، ملک من است، متعلق به من است، بنابراین من حق دارم؛ آمدی، حمله کردی [لذا کشته میشوی]؛ آزادی یعنی این!</p> |

| مستندات | مهم‌ترین محورها | موضوع | ردیف |
|---|-----------------|-------|------|
| <p>واقعاً امام‌المتعصبین اینها هستند، ارزشهای آمریکایی که روی آنها تکیه میکنند و اصرار دارند [اینها است]. تبیین ارزشهای آمریکایی نشان‌دهنده‌ی این است که اینها رئیس‌المتعصبین هستند. خود غربی‌ها همین‌جور، رئیس‌المتعصبین هستند؛ تعصب در آنها خیلی بیشتر است. تعصب به معنای پایبندی بی‌منطق است. «عصبه» یا «عصبه»، یعنی پایبندی به خویشاوندان یا به گروه و جناح -حالا از هر ماده‌ای که گرفتیم- این، معنای تعصب است؛ اینها بیشتر به این پایبندند تا ماها. ماها اتفاقاً در این زمینه‌ها یک مقداری بیش از اندازه مثلاً سهل‌اندیشی و سهل‌انگاری هم میکنیم. خب اینها تبیین بشود. خلاصه کنیم: انتخاب و گزینش سرفصل‌ها و عناوینی که میتواند انسان در مورد آنها نظر اسلام را بگوید، یا صریحاً یا تلویحاً، مقایسه بشود با نظرات دیگری که امروز در دنیای تمدن و در این تمدن مادی وجود دارد. اینها آن دنباله‌ی کار است که بایستی ان‌شاءالله انجام بگیرد و پیش برود.</p> <p>به هر حال، خیلی متشکریم و خیلی خرسندیم از اینکه دوستان را امروز اینجا زیارت کردیم، ملاقات کردیم و بهره بردیم. و آن آهنگی هم که خواندند، خیلی آهنگ قشنگ مطلوبی بود؛ منتها عرض کردم، در ترجمه‌ها خیلی مراقب باشید. اینکه گفتند طرف، ایتالیایی‌الاصل بود و ترجمه‌ی ایتالیایی [نامه] را نگاه کرد و دید اشکال دارد، این درست است. ما داریم کسانی را که یک متن فارسی را مینویسند، فارسی‌دانند، اما ما که زبان مادری‌مان فارسی است، وقتی نگاه میکنیم، می‌بینیم زبان ما نیست؛ یعنی یک چیزهایی در آن هست که در زبان ما نیست؛ این خیلی مهم است. همین مجله‌ی کرسنت (۹) که مال مرحوم کلیم صدیقی (۱۰) بود، علت اینکه خیلی مجله‌ی پُررواجی در کشورهای انگلیسی زبان بود -آدمهایی که مطلع بودند به من میگفتند- این بود که این با زبان و فرهنگ انگلیسی نوشته میشد؛ این خیلی مهم است. این را اهل زبان میتوانند بفهمند؛ آن که اهل زبان نباشد، نمیتواند این را درست احساس کند. در ترجمه‌ها این را رعایت کنید؛ در آهنگها هم همین‌جور. البته آهنگ چون زیبا است و چون با صدای خوش همراه است، اگر چنانچه یک مخلوطی از یک آهنگ دیگر هم داشته باشد، ضرری خیلی نمیزند؛ مثلاً فرض کنید حالا یکی دارد آواز ایرانی میخواند، وسطش یک تحریر هندی هم اگر بیاورد، این ضربه‌ای نمیزند، ضرری نمیزند به آهنگ، به شرطی که در همین حد باشد؛ اما اگر چنانچه کسی بخواند آهنگ ایرانی بخواند، منتها در مجموع و در کل، مثلاً فرض کنید این آهنگ عربی دربیاید، این خیلی مطلوب نیست؛ به این چیزها خیلی توجه کنید، اینها تأثیرات خیلی مهمی دارد. خیلی ممنونیم».</p> | | | |

د- شاخص های دومین نامه رهبر معظم انقلاب به جوانان غربی:

| ردیف | موضوع | مهم ترین محورها | مستندات |
|------|--|--|--|
| ۱ | چاره اندیشی برای مسائل دردناک (چه در فرانسه، چه در فلسطین و عراق و لبنان و سوریه): | ۱- حادثه تروریستی اخیر در فرانسه ۲- جان دادن کودک در برابر دیدگان عزیزانش ۳- مادری که شادی خانواده اش به عزا مبدل می شود ۴- شوهری که پیکر بی جان همسرش را شتابان به سوئی می برد ۵- تماشاگری که نمی داند تا لحظاتی دیگر آخرین پرده نمایش زندگی را خواهد دید | « واقعیت این است که اگر مسائل دردناک، زمینه های چاره اندیشی و محملی برای همفکری فراهم نکند، خسارت دوچندان خواهد شد. رنج هر انسانی در هر نقطه از جهان، به خودی خود برای هموعان اندوه بار است. منظره کودکی که در برابر دیدگان عزیزانش جان می دهد، مادری که شادی خانواده اش به عزا مبدل می شود، شوهری که پیکر بی جان همسرش را شتابان به سوئی می برد، و یا تماشاگری که نمی داند تا لحظاتی دیگر آخرین پرده نمایش زندگی را خواهد دید، مناظری نیست که عواطف و احساسات انسانی را برنماند. هرکس که از محبت و انسانیت بهره ای برده باشد، از دیدن این صحنه ها متأثر و متألم می شود؛ چه در فرانسه رخ دهد، چه در فلسطین و عراق و لبنان و سوریه. قطعاً یک و نیم میلیارد مسلمان همین احساس را دارند و از عاملان و مسببان این فجایع، منجزر و بیزارند. اما مسئله این است که رنج های امروز اگر مایه ساختن فردایی بهتر و ایمن تر نشود، فقط به خاطره هایی تلخ و بی ثمر فرو خواهد کاست. من ایمان دارم که تنها شما جوان ها هستید که با درس گرفتن از ناملایمات امروز، قادر خواهید بود راه هایی نو برای ساخت آینده بیابید و سد بیراهه هایی شوید که غرب را به نقطه کنونی رسانده است.» |
| ۲ | تشابه و تفاوت حادثه تروریستی فرانسه و حوادث مشابه در دنیای اسلام: | ۱- تروریسم درد مشترک ۲- ابعاد وسیع تر حوادث ۳- حمایت قدرت های بزرگ از خشونت در دنیای اسلام | « درست است که امروز تروریسم درد مشترک ما و شماست، اما لازم است بدانید که ناامنی و اضطرابی که در حوادث اخیر تجربه کردید، با رنجی که مردم عراق، یمن، سوریه، و افغانستان طی سال های متمادی تحمل کرده اند دو تفاوت عمده دارد؛ نخست اینکه دنیای اسلام در ابعادی به مراتب وسیع تر، در حجمی انبوه تر و به مدت بسیار طولانی تر قربانی وحشت افکنی و خشونت بوده است؛ و دوم اینکه متأسفانه این خشونت ها همواره از طرف برخی از قدرت های بزرگ به شیوه های گوناگون و به شکل مؤثر حمایت شده است.» |
| ۳ | منطق متناقض غرب در برخورد با تروریسم: | ۱- نقش آمریکا در ایجاد یا تقویت و تسلیح القاعده، طالبان و دنباله های شوم آنان ۲- پشتیبانی از حامیان آشکار و شناخته شده تروریسم تکفیری ۳- پشتیبانی از تروریسم دولتی اسرائیل ۴- لشکر کشی های سال های اخیر به دنیای اسلام | « امروز کمتر کسی از نقش ایالات متحده آمریکا در ایجاد یا تقویت و تسلیح القاعده، طالبان و دنباله های شوم آنان بی اطلاع است. در کنار این پشتیبانی مستقیم، حامیان آشکار و شناخته شده تروریسم تکفیری، علی رغم داشتن عقب مانده ترین نظام های سیاسی، همواره در ردیف متحدان غرب جای گرفته اند، و این در حالی است که پیشروترین و روشن ترین اندیشه های برخاسته از مردم سالاری های پویا در منطقه، بی رحمانه مورد سرکوب قرار گرفته است. برخورد دوگانه غرب با جنبش بیداری در جهان اسلام، نمونه گویایی از تضاد در سیاست های غربی است. چهره دیگر این تضاد، در پشتیبانی از تروریسم دولتی اسرائیل دیده می شود. مردم ستم دیده فلسطین بیش از شصت سال است که بدترین نوع تروریسم را تجربه می کنند. اگر مردم اروپا اکنون چند روزی در خانه های خود پناه می گیرند و از حضور در مجامع و مراکز پرجمعیت پرهیز می کنند، یک خانواده فلسطینی ده ها سال است که حتی در خانه خود از ماشین کشتار و تخریب رژیم صهیونیست در امان نیست. امروزه چه نوع خشونت هایی می توان از نظر شدت قساوت با شهرک سازی های رژیم صهیونیست مقایسه کرد؟ این رژیم بدون اینکه هرگز به طور جدی و مؤثر مورد سرزنش متحدان پرنفوذ خود و یا لاقط نهادهای به ظاهر مستقل بین المللی قرار گیرد، هر روز خانه فلسطینیان را ویران و باغ ها و مزارعشان را نابود می کند، بی آنکه حتی فرصت انتقال اسباب زندگی یا مجال جمع آوری محصول کشاورزی را به آنان بدهد؛ و همه اینها اغلب |

| ردیف | موضوع | مهم‌ترین محورها | مستندات |
|------|-------------------|---|---|
| | | | <p>در برابر دیدگان وحشت‌زده و چشمان اشک‌بار زنان و کودکانی روی می دهد که شاهد ضرب و جرح اعضای خانواده خود و در مواردی انتقال آنها به شکنجه‌گاه‌های مخوف اند. آیا در دنیای امروز، قساوت دیگری را در این حجم و ابعاد و با این تداوم زمانی می‌شناسید؟ به گلوله بستن بانویی در وسط خیابان فقط به جرم اعتراض به سرباز تا دندان مسلح، اگر تروریسم نیست پس چیست؟ این بربریت چون توسط نیروی نظامی یک دولت اشغالگر انجام می شود، نباید افراطی‌گری خوانده شود؟ یا شاید این تصاویر فقط به این علت که شصت سال مکرراً از صفحه تلویزیون‌ها دیده شده، دیگر نباید وجدان ما را تحریک کند. لشکرکشی‌های سال‌های اخیر به دنیای اسلام که خود قربانیان بی‌شماری داشت، نمونه‌ای دیگر از منطق متناقض غرب است. کشورهای مورد تهاجم، علاوه بر خسارت‌های انسانی، زیرساخت‌های اقتصادی و صنعتی خود را از دست داده‌اند، حرکت آنها به سوی رشد و توسعه به توقف یا کندی گراییده، و در مواردی ده‌ها سال به عقب برگشته‌اند؛ با وجود این، گستاخانه از آنان خواسته می شود که خود را ستمدیده ندانند. چگونه می توان کشوری را به ویرانه تبدیل کرد و شهر و روستایش را به خاکستر نشانند، سپس به آنها گفت که لطفاً خود را ستمدیده ندانید! به جای دعوت به تفهمیدن و یا از یاد بردن فاجعه‌ها، آیا عذرخواهی صادقانه بهتر نیست؟ رنجی که در این سال‌ها دنیای اسلام از دورویی و چهره‌آرایی مهاجمان کشیده است، کمتر از خسارت‌های مادی نیست.»</p> |
| ۴ | ریشه‌های تروریسم: | <p>۱- اصلاح نکردن اندیشه خشونت‌زا در فرهنگ غرب (پرخاشگری، بی‌بندوباری اخلاقی، ستیزه جویی، ابتذال و معناگریزی)</p> <p>۲- تسلط معیارهای دوگانه بر سیاست غرب درباره تروریسم</p> <p>۳- ترجیح داشتن منافع دولت‌ها بر ارزش‌های انسانی و اخلاقی</p> <p>۴- رسوخ ریشه‌های خشونت در اعماق سیاست‌های فرهنگی غرب</p> <p>۵- پافشاری غرب بر همانندسازی فرهنگی جهان (داعش زاییده وصلت ناموفق با فرهنگ وارداتی)</p> | <p>« جوانان عزیز! من امید دارم که شما در حال یا آینده، این ذهنیت آلوده به تزویر را تغییر دهید؛ ذهنیتی که هنرش پنهان کردن اهداف دور و آراستن اغراض مودبانه است. به نظر من نخستین مرحله در ایجاد امنیت و آرامش، اصلاح این اندیشه خشونت‌زا است. تا زمانی که معیارهای دوگانه بر سیاست غرب مسلط باشد، و تا وقتی که تروریسم در نگاه حامیان قدرتمندش به انواع خوب و بد تقسیم شود، و تا روزی که منافع دولت‌ها بر ارزش‌های انسانی و اخلاقی ترجیح داده شود، نباید ریشه‌های خشونت را در جای دیگر جستجو کرد. متأسفانه این ریشه‌ها طی سالیان متمادی، به تدریج در اعماق سیاست‌های فرهنگی غرب نیز رسوخ کرده و یک هجوم نرم و خاموش را سامان داده است. بسیاری از کشورهای دنیا به فرهنگ بومی و ملی خود افتخار می‌کنند، فرهنگ‌هایی که در عین بالندگی و زایش، صدها سال جوامع بشری را به خوبی تغذیه کرده است؛ دنیای اسلام نیز از این امر مستثنا نبوده است. اما در دوره معاصر، جهان غرب با بهره‌گیری از ابزارهای پیشرفته، بر شبیه‌سازی و همانندسازی فرهنگی جهان پافشاری می‌کند. من تحمیل فرهنگ غرب بر سایر ملت‌ها و کوچک شمردن فرهنگ‌های مستقل را یک خشونت خاموش و بسیار زبان‌بار تلقی می‌کنم. تحقیر فرهنگ‌های غنی و اهانت به محترم‌ترین بخش‌های آنها در حالی صورت می‌گیرد که فرهنگ جایگزین، به‌هیچ‌وجه از ظرفیت جانشینی برخوردار نیست. به طور مثال، دو عنصر «پرخاشگری» و «بی‌بندوباری اخلاقی» که متأسفانه به مؤلفه‌های اصلی فرهنگ غربی تبدیل شده است، مقبولیت و جایگاه آن را حتی در خاستگاهش تنزل داده است. اینک سؤال این است که اگر ما یک فرهنگ ستیزه‌جو، مبتذل و معناگریز را نخواهیم، گنجه‌کاریم؟ اگر مانع سیل ویرانگری شویم که در قالب انواع محصولات شبه هنری به سوی جوانان ما روانه می شود، مقصّریم؟ من اهمیت و ارزش پیوندهای فرهنگی را انکار نمی‌کنم. این پیوندها هر گاه در شرایط طبیعی و با احترام به جامعه پذیرا صورت گرفته، رشد و بالندگی و غنا را به ارمغان آورده است. در مقابل، پیوندهای ناهمگون و تحمیلی،</p> |

| ردیف | موضوع | مهم‌ترین محورها | مستندات |
|------|--|--|--|
| | | <p>۶- تلاقی استعمار با تفکرات افراطی و مطرود</p> <p>۷- تغذیه فرهنگی ناسالم در محیط آلوده و مولد خشونت غرب (گرایش اروپایی‌ها به داعش)</p> <p>۸- نفرت ناشی از نابرابری‌ها و احیاناً تبعیض‌های قانونی و ساختاری در دل قشرهایی از جوامع غربی</p> | <p>ناموفق و خسارت‌بار بوده است. با کمال تأسف باید بگویم که گروه‌های فرومایه‌ای مثل داعش، زاینده این‌گونه وصلت‌های ناموفق با فرهنگ‌های وارداتی است. اگر مشکل واقعاً عقیدتی بود، می‌بایست پیش از عصر استعمار نیز نظیر این پدیده‌ها در جهان اسلام مشاهده می‌شد، درحالی‌که تاریخ، خلاف آن را گواهی می‌دهد. مستندات مسلم تاریخی به روشنی نشان می‌دهد که چگونه تلاقی استعمار با یک تفکر افراطی و مطرود، آن‌هم در دل یک قبیله بدوی، بذر تندروی را در این منطقه کاشت. وگرنه چگونه ممکن است از یکی از اخلاقی‌ترین و انسانی‌ترین مکاتب دینی جهان که در متن بنیادین خود، گرفتن جان یک انسان را به مثابه کشتن همه بشریت می‌داند، زباله‌ای مثل داعش بیرون بیاید؟ از طرف دیگر باید پرسید چرا کسانی که در اروپا متولد شده‌اند و در همان محیط، پرورش فکری و روحی یافته‌اند، جذب این نوع گروه‌ها می‌شوند؟ آیا می‌توان باور کرد که افراد با یکی دو سفر به مناطق جنگی، ناگهان آن‌قدر افراطی شوند که هم‌وطنان خود را گلوله‌باران کنند؟ قطعاً نباید تأثیر یک عمر تغذیه فرهنگی ناسالم در محیط آلوده و مولد خشونت را فراموش کرد. باید در این زمینه تحلیلی جامع داشت، تحلیلی که آلودگی‌های پیدا و پنهان جامعه را بیابد. شاید نفرت عمیقی که طی سال‌های شکوفایی صنعتی و اقتصادی، در اثر نابرابری‌ها و احیاناً تبعیض‌های قانونی و ساختاری در دل اقشاری از جوامع غربی کاشته شده، عقده‌هایی را ایجاد کرده که هر از چندی بیمارگونه به این صورت گشوده می‌شود».</p> |
| ۵ | <p>چگونگی مبارزه با تروریسم و خشونت:</p> | <p>۱- یافتن گره‌ها و کینه‌ها و زدودن آنها و ترمیم شکاف‌ها به جای تعمیق آنها</p> <p>۲- پرهیز از هر حرکت هیجانی که جامعه مسلمان غرب را در انزوا یا اضطراب قرار دهد (مقررات وضع شده در اروپا درباره جاسوسی شهروندان علیه مسلمانان).</p> <p>۳- پی‌ریزی بنیان‌های تعامل صحیح و شرافتمندانه با جهان اسلام</p> | <p>« به‌رحال این شما هستید که باید لایه‌های ظاهری جامعه خود را بشکافید، گره‌ها و کینه‌ها را بیابید و بزدا کنید. شکاف‌ها را به جای تعمیق، باید ترمیم کرد. اشتباه بزرگ در مبارزه با تروریسم، واکنش‌های عجولانه‌ای است که گسست‌های موجود را افزایش دهد. هر حرکت هیجانی و شتاب‌زده که جامعه مسلمان ساکن اروپا و آمریکا را که متشکل از میلیون‌ها انسان فعال و مسئولیت‌پذیر است، در انزوا یا هراس و اضطراب قرار دهد و بیش از گذشته آنان را از حقوق اصلی‌شان محروم سازد و از صحنه اجتماع کنار گذارد، نه تنها مشکل را حل نخواهد کرد بلکه فاصله‌ها را عمق، و کدورت‌ها را وسعت خواهد داد. تدابیر سطحی و واکنشی — مخصوصاً اگر وجهت قانونی بیابد — جز اینکه با افزایش قطب‌بندی‌های موجود، راه را بر بحران‌های آینده بگشاید، ثمر دیگری نخواهد داشت. طبق اخبار رسیده، در برخی از کشورهای اروپایی مقرراتی وضع شده است که شهروندان را به جاسوسی علیه مسلمانان وا می‌دارد؛ این رفتارها ظالمانه است و همه می‌دانیم که ظلم، خواه‌ناخواه خاصیت برگشت‌پذیری دارد. وانگهی مسلمانان، شایسته این ناسپاسی‌ها نیستند. دنیای باختر قرن‌هاست که مسلمانان را به خوبی می‌شناسد؛ هم آن روز که غربیان در خاک اسلام میهمان شدند و به ثروت صاحبخانه چشم دوختند، و هم روز دیگر که میزبان بودند و از کار و فکر مسلمانان بهره جستند، اغلب جز مهربانی و شکیبایی ندیدند. بنابراین من از شما جوانان می‌خواهم که بر مبنای یک شناخت درست و با ژرف‌بینی و استفاده از تجربه‌های ناگوار، بنیان‌های یک تعامل صحیح و شرافتمندانه را با جهان اسلام پی‌ریزی کنید. در این صورت، در آینده‌ای نه‌چندان دور خواهید دید بنایی که بر چنین شالوده‌ای استوار کرده‌اید، سایه اطمینان و اعتماد را بر سر معمارانش می‌گستراند، گرمای امنیت و آرامش را به آنان هدیه می‌دهد، و فروغ امید به آینده‌ای روشن را بر صفحه گیتی می‌تاباند».</p> |